

DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.4.8

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدی بر تفسیر سید رضی - منصور پهلوان

علمی- پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰-۲۳

انس بن مالک و حدیث غدیر؛ نقدی بر تفسیر سید رضی

منصور پهلوان*

چکیده: ماجرای خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم در حجة الوداع، از مهمترین شواهدی است که به ولایت و وصایت علی علیه السلام دلالت دارد و علی علیه السلام در مواضع مختلف بدان استشهاد کرده‌اند. یکی از این موارد در نهج البلاغه و در حکمت ۳۰۳ ذکر گردیده است. در آن حکمت، علی علیه السلام انس بن مالک را مورد خطاب و عتاب قرار داده‌اند که چرا با وجود آنکه شاهد ماجرای غدیر بوده است، بدان شهادت نمی‌دهد؟ بسیاری از کتب معتبر تاریخی و حدیثی این شأن صدور را در توییح انس بن مالک ذکر کرده‌اند، اما متأسفانه سید رضی - رحمه الله - شأن صدور دیگری برای این حکمت ذکر کرده است. این مقاله نقد محققانه کلام اوست.

کلیدواژه‌ها: غدیر خم؛ انس بن مالک؛ برص؛ مناشده؛ سید رضی؛ نهج البلاغه؛ امامت.

یکی از حکمت‌های نهج البلاغه که به احتجاج علی علیه السلام به حدیث غدیر و کلام پیامبر اکرم - که در آن فرموده "من کنت مولاہ فعلی مولاہ" - دلالت دارد، حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه است. در آن حکمت بر اساس متون تاریخی و منابع شیعه و اهل تسنن، علی علیه السلام در مسجد کوفه از مردم درخواست می‌کند هر کس در غدیر خم شاهد خطبه پیامبر بوده، برخیزد و شهادت دهد. تعدادی برخاسته و شهادت می‌دهند، آنگاه علی علیه السلام به انس بن مالک خطاب فرموده و می‌گویند: ای انس! تو که شاهد بودی و خطابه را شنیدی چرا بر نمی‌خیزی و شهادت نمی‌دهی؟ او می‌گوید: پیر شده‌ام و به فراموشی مبتلا شده‌ام و علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَضَرْبَكَ اللَّهُ بِمَا بِيضَاءَ لَأَمِعَةً لَا تُؤَارِبُهَا الْعِمَامَةُ» قال: یعنی البرص. فأصاب أنسا هذا الداء في ما بعد في وجهه؛ فكان لا يرى إلا مترقعا. (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۳)

اگر دروغ بگویی، خدا تو را به پیسی و مرضی مبتلا کند که عمامه آن را نپوشاند. (نهج البلاغه حکمت ۳۰۳؛ شرح ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۲۱۸)

اما سید رضی - رحمه الله - در مقدمه‌ای که بر این حکمت نوشته، ذکری از حدیث غدیر نکرده و موضوع را مربوط به جنگ جمل و حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره طلحه و زبیر دانسته است. وی می‌نویسد:

«و قال عليه السلام لأنس بن مالك، و قد كان بعثه إلى طلحة و الزبير لما جاء إلى البصرة، يدكرهما شيئاً سمعه من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في معاهما، فلوى عن ذلك، فرجع إليه، فقال: إني أنسيت ذلك الأمر». (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۳)

یعنی علی علیه السلام وقتی که به بصره آمد، انس بن مالک را نزد طلحه و زبیر فرستاد تا سخنی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره ایشان شنیده به آنها یادآوری کند. انس از این کار سر باز زد و به سوی او بازگشت و گفت: من پیر شده‌ام و آن سخن را فراموش کرده‌ام.

سید رضی در سخنان خود، به کلام پیامبر اکرم در باره طلحه و زبیر اشاره‌ای

نمی‌کند، اما بعضی از شروح نهج البلاغه در توضیح کلام سید رضی گفته‌اند: مقصود این حدیث پیامبر اکرم بوده است: «انکما ستقاتلان علیاً و انما له ظلمان» (شرح ابن میثم بحرانی ذیل حکمت ۳۰۳)

ولی این درخواست شهادت علی علیه السلام از انس بن مالک، مربوط به ماجرای خطیر و عظیم غدیر خم و حدیث "من کنت مولاه فعلی مولاه" است، نه جمله‌ای از رسول اکرم خطاب به طلحه و زبیر که در آن فرموده باشند: "شما به زودی با علی کارزار می‌کنید و شما به او ستم می‌کنید".

در زیر شواهد و دلایلی بر درستی این مدعا آمده است:

در دوره‌های مختلف بسیار کسان کوشیده‌اند که واقعه تاریخی غدیر خم و تأکید پیامبر اکرم بر ولایت علی علیه السلام را از خاطره‌ها محو کنند و برخی هم ناخواسته چنین کرده و به راه آنان رفته‌اند. واقعه غدیر خم و خطبه تاریخی پیامبر اکرم آن چنان عظیم بود که پس از گذشت قریب به سی سال هنوز کسانی بودند که آن را در کوفه گزارش کنند.

۱. سیدرضی هیچ مأخذی برای تفسیر خود از کلام علی علیه السلام ذکر نمی‌کند و ما نمی‌دانیم مستند او در این سخنان چیست؟ اما با جستجوی گسترده در کتاب‌های حدیث و تاریخ به جرأت می‌توان گفت که هیچ منبعی پیش از سید رضی این سخنان علی علیه السلام را مربوط به جنگ جمل و پیشگویی پیامبر از احوال پسین طلحه و زبیر ندانسته است.

۲. جمله "انکما ستقاتلان علیاً و انما له ظلمان" در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه و یا اهل تسنن وارد نشده و بر اساس تحقیق، اول بار در شرح ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) ذیل همین حکمت ۳۰۳ نهج البلاغه ورود یافته است، اما در منابع حدیثی و یا تاریخی، آن هم پیش از سید رضی، اثری از آن نیست.

ابوعبدالله احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری) است. او پیشوای حنابله و یکی از رؤسای مذاهب اربعه اهل تسنن است و کتاب مسند او از مهمترین منابع حدیثی اهل تسنن به شمار می آید. وی در آن کتاب می نویسد:

عن عبد الرحمن بن أبي لیلی قال: شهدت علياً رضي الله عنه في الرحبة ينشد الناس؛ أنشد الله من سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه لما قام فشهد. قال عبد الرحمن: فقام اثنا عشر بدریا كأنی أنظر إلى أحدهم. فقالوا: نشهد أننا سمعنا رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يقول يوم غدیر خم: ألتست أولى بالمؤمنین من أنفسهم و أزواجی أمهاتهم؟ فقلنا: بلی یا رسول الله. قال: فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه (مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۱۱۹).

عبد الرحمن بن أبی لیلی می گوید: علی رضی الله عنه در همان سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم این کلام را از پیامبر اکرم شنیده است، برخیزد و گواهی دهد و دوازده تن از بدریون برخاستند و شهادت دادند.

۶. ابن رسته (متوفای حدود ۳۰۰ هجری). او دانشمندی بزرگ، هیوی و جغرافیادان است و معروفترین کتاب او "الأعلاق النفیسة" نام دارد. او در این باره می نویسد: «أنس بن مالك، كان بوجهه برص، و يذكر قوم أن علی بن أبی طالب رضی الله عنه سأله عن شيء؛ فقال: كبرت سنی و نسیت! فقال علی: إن كنت كاذباً فضربك الله بیضاء لا تواربها العمامة (الأعلاق النفیسة، ص ۲۲۱).

۷. ابو منصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹ هجری) از دانشمندان و ادیبان ادب عربی است و کتاب های بسیاری دارد از جمله: فقه اللغة، التمثیل و المحاضرة، المنتحل، تحفة الوزراء، سحر البلاغة، الاعجاز و الایجاز، ثمار القلوب، لطائف المعارف، درر الحکم و غیره. او در باب شأن صدور کلام علی عليه السلام می نویسد:

«و كان أنس بن مالك رضی الله عنه أبرص، و ذكر قوم أن علی ابن أبی طالب- كرم الله وجهه- سأله عن قول النبی صلى الله عليه [و آله] و سلم فيه: «اللهم وال من والاه و عاد من

عاداه». فقال: قد كبرت و نسيت! فقال علي: «إن كنت كاذباً فضربك الله بيضاء لا توريبها العمامة»، فأصابه برص (لطائف المعارف ص ۱۰۵).

داستان مبتلا شدن انس بن مالک مشهور است و در کتاب‌های بسیاری آمده است؛ از جمله: تهذیب الكمال ج ۳ ص ۳۷۵، تاریخ الاسلام ج ۶ ص ۲۹۵، سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۴۰۵.

۸. حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ هجری) محدث و مؤلف نامدار جهان اسلام است. از اساتید او حاکم نیشابوری و طبرانی و از شاگردان او خطیب بغدادی را ذکر کرده‌اند و از کتاب‌های او حلیة الاولیاء و اخبار اصبهان است.

ابو نعیم اصفهانی این ماجرا را از استادش حافظ طبرانی نقل کرده و در ادامه می‌نویسد:

«فقاموا کلهم فقالوا: نعم، و قعد رجل: فقال: «ما منعك أن تقوم؟» فقال: يا أمیرالمؤمنین کبرت و نسیت! فقال: «اللهم إن كان كاذباً فاضربه ببلاء حسن». قال: فما مات حتى رأينا بين عينيه نكتة بيضاء لا توريبها العمامة (حلیة الاولیاء ج ۵ ص ۲۶ - ۲۷).

ابو نعیم همین روایت را در کتاب دیگر خود اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۰۷ تا عبارت "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه" نقل کرده است.

۹. ابن اثیر، ابو الحسن علی بن ابی الکریم (متوفای ۶۳۰ هجری) که از رجال شناسان و مورخان اسلامی است، در کتاب بزرگ خود که در شناخت صحابه پیامبر اکرم نوشته است، از ابو اسحاق نقل می‌کند که راویان حدیث مناشده علی عليه السلام در کوفه و مبتلا شدن برخی از کتمان کنندگان واقعه غدیر به کوری و پیسی، فراوان و بی‌شمارند.

قال أبو إسحاق: وحدثني من لا أحصى أن عليا نشد الناس في الرحبة: "من سمع قول رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه." . فقام نفر، فشهدوا

أنهم سمعوا ذلك من رسول الله ﷺ و كنتم قوم، فما خرجوا من الدنيا حتى عموا، وأصابتهم آفة (أسد الغابة ج ۳ ص ۴۹۲ رقم ۳۳۸۲).

اینکه دانشمندی همچون ابن اثیر در کتابش أسدالغابة راویان مناشده غدیر را بی‌شمار و غیرقابل احصاء می‌خواند، واقعاً شگفت‌انگیز است.

۱۰. ابوحامد عبد الحمید معروف به ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶ هجری) شارح معتزلی نهج البلاغه در دو موضع از کتابش، از این حدیث سخن گفته است. ابتدا در ذیل همین حکمت ۳۰۳ نوشته است:

«مشهور آن است که علی عليه السلام در سرزمین کوفه مردم را سوگند داد که هر کس این حدیث پیامبر اکرم را در بازگشت از حجة الوداع در روز غدیر خم شنیده است، برخیزد و گواهی دهد: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

جمع بسیاری برخاستند و گواهی دادند. علی عليه السلام به انس بن مالک رو کردند و فرمودند: انس! تو که حاضر بودی پس چرا گواهی نمی‌دهی؟ انس گفته است یا امیرالمؤمنین! به کبر سن مبتلا شده‌ام و آنچه که فراموش کرده‌ام بیشتر از چیزی است که به یاد می‌آورم. امام فرمودند: اگر دروغ بگویی خدا ترا به برصی مبتلا کند که عمامه آن را نپوشاند و او به این مرض مبتلا گردید (شرح نهج البلاغه ج ۱۹ ص ۲۱۸).

ابن ابی الحدید آنگاه کلام سید رضی در باره این حدیث را ناشناخته و غیر معروف می‌خواند و با دلیل آن را ردّ می‌کند. وی می‌نویسد:

«فأما ما ذكره الرضی من أنه بعث أنسا إلى طلحة والزبير فغير معروف، ولو كان قد بعثه لذكرهما بكلام يختصّ بهما من رسول الله ﷺ لما أمكنه أن يرجع فيقول إني أنسيت، لأنه ما فارقه متوجّها نحوهما إلا و قد أقرّ بمعرفته و ذكره، فكيف يرجع بعد ساعة أو يوم فيقول إني أنسيت، فينكر بعد الاقرار!» (همان)

آنچه رضی گفته است که او انس را به نزد طلحه و زبیر فرستاد، مطلبی غیر

معروف و ناشناخته است و اگر او را فرستاده بود تا کلامی را که از پیامبر اکرم در باره آنها شنیده به آنها یادآوری کند، امکان نداشت که باز گردد و بگوید من آن را فراموش کرده‌ام؛ زیرا قبل از حرکت و رفتن باید می‌گفت من فراموش کرده‌ام و چیزی به خاطر ندارم. و اینکه رفته است و بعد از مدتی مراجعت کرده و گفته پیر شده‌ام و فراموش کرده‌ام، نشانه آن است که امری مهمتر از یادآوری یک سخن به آن دو، در میان بوده است. وی در پایان می‌گوید:

«و قد ذکر ابن قتیبہ حدیث البرص، و الدعوة التي دعا بها أمير المؤمنين عليه السلام على أنس بن مالك في كتاب المعارف في باب البرص من أعيان الرجال، وابن قتیبہ غير متهم في حق عليه السلام، على المشهور من أخرافه عنه». (همان)

یعنی: ابن قتیبہ دینوری حدیث برص و دعای امیرالمؤمنین علیه انس بن مالک را در کتاب المعارف باب برص آورده و ابن قتیبہ از مردان شاخص و بزرگ است و او متهم به دوستی با عليه السلام نیست، زیرا چنان که مشهور است او علوی و امامی نیست.

ابن ابی الحدید، ذیل خطبه ۵۶ نیز از این موضوع سخن گفته است که در آن اسامی بعضی از صحابه منحرف از امیرالمؤمنین عليه السلام را ذکر کرده است. در آنجا می‌گوید:

«و ذکر جماعة من شیوخنا البغدادیین أنّ عدّة من الصحابة و التابعین و المحدثین كانوا منحرفین عن عليه السلام، قائلین فيه السوء، و منهم من کتم مناقبه و أعان أعداءه میلاً مع الدنيا، و إثارة للعاجلة، فمنهم أنس بن مالك، ناشد عليه السلام الناس في رحبة القصر - أو قال رحبة الجامع بالكوفة - : أیکم سمع رسول الله صلی الله علیه [و آله] و سلم یقول: "من کنت مولاه فعلى مولاه؟" فقام اثنا عشر رجلاً فشهدوا بها، و أنس بن مالك في القوم لم یقم، فقال له: یا أنس، ما یمنعک أن تقوم فتشهد، ولقد حضرتم! فقال: یا امیرالمؤمنین، کبرت و نسیت، فقال: اللهم إن کان

کاذباً فارمه بها بیضاء لا تواربها العمامة. قال طلحة بن عمير: فوالله لقد رأيت الوضع به بعد ذلك أبيض بين عينيه» (شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۷۴).

خلاصه ترجمه آنکه: برخی از شیوخ بغدادی ما می‌گویند برخی از صحابه و تابعان و نو رسان، بدگویی علی عليه السلام را می‌کردند و برخی هم به دلیل دنیا دوستی و ترجیح دنیا بر آخرت، فضایل و مناقب او را کتمان می‌کردند. از زمره آنان انس بن مالک بود. هنگامی که علی در کوفه مناشده کرد و مردم را سوگند داد که هر کس از پیامبر اکرم حدیث "من کنت مولاہ فعلی مولاہ" را شنیده برخیزد و شهادت دهد، دوازده تن برخاستند، اما انس برنخواست و شهادت نداد...الی آخر.

۱۱. ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ هجری) مفسر و مورخ و محدث بزرگ اسلامی است که شافعی مذهب بود و در دمشق از اساتیدی همچون آمدی و ابن تیمیه بهره برد. او در چندین موضع از تاریخ خود به این ماجرا اشاره می‌کند؛ از جمله این گزارش:

«عن عميرة بن سعد: أنه شهد علياً على المنبر، يناشد اصحاب رسول الله من سمع رسول الله يوم غدیر خم؛ فقام اثنا عشر رجلاً منهم ابوهريرة و ابو سعيد و انس بن مالك؛ فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله يقول: من كنت مولاہ فعلی مولاہ، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (البداية و النهاية ج ۵ ص ۲۱۱).

۱۲. علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین معروف به متقی هندی (متوفای ۹۷۵ هجری) از بزرگترین محدثان حنفی به این ماجرا و مبتلا شدن انس بن مالک چنین اشاره می‌کند:

«عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال: خطب علي، فقال: أنشد الله امرأ نشدة الإسلام سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم يوم غدیر خم أخذ بيدي يقول: أأست أولى بكم يا معشر المسلمين من أنفسكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: "من كنت مولاہ فعلی مولاہ، اللهم! وال من

والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله" إلا قام فشهد! فقام بضعة عشر رجلاً فشهدوا و كتم قوم؛ فما فنوا من الدنيا إلا عموا وبرصوا.» (کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۳۱ حدیث ۳۶۴۱۷)

متقی هندی نقل می‌کند که در این مناشده بین سیزده تا نوزده تن برخاستند و شهادت دادند، اما برخی هم شهادت را کتمان کردند، که پیش از مرگ یا کور شدند و یا به مرض پیسی مبتلا گشتند. البته عبد الرحمن تصریح نمی‌کند که چه کسی به مرض پیسی یا برص مبتلا شد.

۱۳. جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری) ادیب، مورخ و محدث شافعی مذهب نیز ضمن نقل ماجرا از مسند احمد بن حنبل، تاریخ این مناشده در کوفه را نیز بیان کرده و آن را مربوط به اوایل حکومت امام علی در کوفه و تعداد شهادت دهندگان را سی تن گزارش کرده است، وی می‌نویسد:

«و لأحمد عن أبي الطفيل قال: جمع على الناس سنة خمس و ثلاثين في الرحبة؛ ثم قال لهم: أنشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يقول يوم غدیر خم ما قال، لما قام. فقام إليه ثلاثون من الناس فشهدوا أن رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (تاریخ الخلفاء، الاحادیث الواردة فی فضله).

۱۴. دلیل دیگری که بر نادرستی تفسیر سید رضی رحمه الله دلالت دارد، این است که اگر کسی سخنان پیامبر اکرم را که در خفا به طلحه و زبیر فرموده باشد، نشنیده یا در خاطر نداشته باشد، مستوجب لعن و نفرین علی علیه السلام نخواهد بود، علی الخصوص که آن سخن در هیچ یک از کتابهای حدیثی نقل نشده باشد؛ اما اگر کسی فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را که پیامبر در حضور هزاران تن در غدیر خم بیان فرموده و بسیاری از کتب حدیثی آن را گزارش کرده باشند، کتمان کند، آنهم

اگر آن شخص دربان و خدمتکار مخصوص پیامبر باشد، الحق که شایسته لعن و نفرین خواهد بود.

چند نکته

۱. علی علیه السلام در جنگ جمل و در بصره با طلحه و زبیر - بی واسطه - گفتگو کرده و آنان را به احادیث پیامبر اکرم دلالت کرده‌اند، از این رو نیازی به درخواست کردن از اشخاصی همچون انس بن مالک برای ابلاغ این احادیث وجود نداشته است. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هجری) از رفاعه چنین نقل می‌کند:

«کنا مع علیّ يوم الجمل، فبعث الی طلحة بن عبیدالله أن ألقنی. فأتاه طلحة، فقال: ناشدتك بالله هل سمعت رسول الله یقول: "من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه"؟ قال طلحة: نعم، قال: فلم تقاتلنی؟ قال: لم اذکر، فانصرف طلحة» (المستدرک ج ۳ ص ۳۷۱).

۲. احادیثی که در فوق بدان استناد کرده‌ایم، همه از منابع معتبر اهل تسنن است، زیرا گفته‌اند:

خوشر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

اما بی مناسبت نیست به یک مورد از منابع شیعی هم اشاره کنیم:

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۲ هجری) در این باره در کتاب ارزشمند خود الارشاد می‌نویسد:

«حدّثنا طلحة بن عمیرة قال: نشد علیّ علیه السلام النَّاس فی قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم: "من كنت مولاة فعلى مولاة"؛ فشهد اثنا عشر رجلا من الأنصار، و أنس بن مالك فی القوم لم یشهد. فقال له أميرالمؤمنین علیه السلام: یا أنس. قال: لبيك، قال: ما يمنعك أن تشهد و قد سمعت ما سمعوا؟ فقال: یا أمير المؤمنين، كبرت ونسيت، فقال أميرالمؤمنین علیه السلام: اللهم إن كان كاذبا فاضربه ببياض - أو بوضح - لا تواريه العمامة» (الارشاد ج ۱ ص ۳۵۱).

سید رضی و برادرش سید مرتضی هر دو در بغداد از شاگردان شیخ مفید بودند. ملاحظه می‌شود که استاد و شیخ سید رضی هم این ماجرا را مربوط به واقعه غدیر خم می‌دانند، نه کلامی در باره طلحه و زبیر.

۳. اما در جواب این سؤال که "چرا سید رضی - رحمه الله - ماجرای مناشده به حدیث غدیر را در مقدمه کلام علی علیه السلام به انس بن مالک، ذکر نکرده است؟" باید بگوییم: سید رضی ادیب و شاعر است و دیوان بزرگی که از وی بر جای مانده است دلالت بر این مدعا دارد. او محدث نیست و روایات را با سلسله سند روایت نمی‌کند، و نمی‌دانیم تا چه حدودی بر کتاب‌های حدیثی وقوف داشته است. مسلماً او مانند شیخ مفید و یا برادرش سید مرتضی متضلع در این فن نبوده است. آری او ادیب است، نه محدث. و بی‌جهت نیست که نام مجموعه گرانسنگ خود را نهج البلاغه نامیده است، او از دیدگاه بلاغت و فصاحت به سخنان امام علی علیه السلام نگریسته و توضیحات او بر کلمات امام، غالباً ادبی و لغوی است.

در پایان بی‌مناسبت نیست شمه‌ای از صفات و ویژگی‌های انس بن مالک را ذکر کنیم، این صفات و ویژگی‌ها در بیشتر کتاب‌های تراجم و رجال ذکر شده است و ما آنها را از کتاب سیر اعلام النبلاء تألیف ابو عبدالله شمس الدین ذهبی نقل می‌کنیم. ۱. او انصاری و خزرچی بود و هنگامی که پیامبر به مدینه آمد، هشت ساله یا ده ساله بود.

۲. مادرش او را به عنوان خدمتکار تقدیم پیامبر کرد.

۳. در سال ۳۵ هجری که انس گفته است پیر شده‌ام و فراموشی بر من غالب شده است، فقط ۴۳ سال داشت و پس از آن ۶۰ سال دیگر در قید حیات بود.

۴. او از اشخاص زیر نقل روایت می‌کند: پیامبر، ابوبکر، عمر، عثمان، معاذ، اسید بن حضیر، ابی طلحه، ابوهریره، عباده بن صامت، مالک بن صعصعه. اما از علی علیه السلام روایت

نقل نکرده است.

۵. مسند او شامل ۲۲۸۶ روایت است و بخاری و مسلم ۱۸۰ روایت از او نقل کرده‌اند.

۶. او مردی ثروتمند و پر اولاد بود و آن جلال را مدیون پیامبر می‌دانست که در دعای بر او فرموده بود: "اللهم أكثر فی ماله و ولده". شمار فرزندان و نوه‌های او هنگام وفات، بالغ بر صد تن بوده است.

۷. حماد بن سلمة گوید: «أخبرنا عبید الله بن أبی بکر، عن أنس، قال: استعملنی أبو بکر علی الصدقة، فقدمت و قد مات، فقال عمر: یا أنس أجتئنا بظهر؟ قلت: نعم. قال: جئنا به، و المال لك. قلت: هو أكثر من ذلك. قال: وإن كان، فهو لك. و كان أربعة آلاف».

۸. او متوقع اکرام و احترام فوق‌العاده از ناحیه مردم بود و می‌گفت: «إنی خدمت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - تسع سنین، والله لو أن النصارى أدرکوا رجلا خدم نبیهم، لأکرموه».

اگر نصارا خادم عیسی را می‌یافتند، او را بسیار تکریم می‌کردند.

۹. او بیماری برص داشت و سپیدی شدیدی صورتش را فرا گرفته بود و لقمه‌های بزرگ بر می‌داشت.

كان أنس بن مالك أبرص و به وضع شدید، و رأیته يأكل، فیلقم لقمًا كبيرًا.

۱۰. آن عمامه که علی عليه السلام فرموده بود بر سر و صورت او افتاده بود.

قال سلمة بن وردان: رأیت علی أنس عمامة سوداء قد أرخاها من خلفه.

۱۱. حجاج به او گفته بود: «یا خبیث، جوال فی الفتن، مرة مع علی، ومرة مع ابن الزبیر، ومرة مع ابن الأشعث. أما والذی نفسی بیده، لأستأصلنک كما تستأصل الصمغة، و لأجردنک كما یجرد الضب». قال: یقول أنس: من یعنی الأمير؟ قال: إیاک أعنی، أصم الله سمعک. قال: فاسترجع أنس!»

۱۲. او در سن ۱۰۳ سالگی درگذشت.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. احقاق الحق و ابطال الباطل و ملحقات الاحقاق، آیه الله مرعشی، جلد ۶ صفحات ۳۰۵ تا ۳۴۰ و جلد ۸ صفحات ۷۴۱ تا ۷۴۸.
۲. اخبار اصبهان، ابو نعیم اصفهانی، دار الکتب العلمیه، ۳ مجلد.
۳. اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر جزری، مجلد سوم.
۴. الاعلاق النقیسه، ابو علی احمد بن عمر، ابن رسته، مطبوعه بزیل.
۵. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، ۳ مجلد، بیروت.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مجلد ۴۱، صفحات ۲۰ تا ۲۰۴، تهران.
۷. البدايه و النهايه، ابن کثیر دمشقی، ۱۵ مجلد، بیروت.
۸. تاریخ الاسلام، شمس الدین ذهبی، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، دار الکتب العربی.
۹. تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، یک مجلد، بیروت.
۱۰. تهذیب الکمال، یوسف بن عبدالرحمن مزنی، ۳۵ مجلد، بیروت.
۱۱. حلیه الاولیاء ابو نعیم اصفهانی، دار الکتب العربی، بیروت.
۱۲. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، دار الحدیث، قاهره.
۱۳. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، مؤسسه النصر، تهران.
۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم.
۱۵. الغدیر، عبدالحسین امینی، مجلد اول صفحات ۳۸۸ به بعد، بیروت.
۱۶. کنز العمال، متقی هندی، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، دار الکتب العلمیه.
۱۷. لطائف المعارف، ابو منصور ثعالبی، دار ابن کثیر، بیروت.
۱۸. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، مجلد سوم.
۱۹. مسند احمد، ابو عبدالله حنبل، تصحیح احمد شاکر، دار الحدیث، قاهره.
۲۰. المعارف، ابن قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشه، مصر.